

۱۹ سال پس از درگذشت قیصر امین پور؛ بازخوانی چهره شاعری که در خاطرات دیگران نیز زندگی می کند

قیصر، به روایت آنچه نسرود

۵

وقتی تورم ۹۷ درصدی
به کمد لباس رسید!

از سرتا پا قسطی

۷

هیچ یک از بلوک های انتخاباتی در اراضی اشغالی
نمی توانند دولت تشکیل دهند

صهیونیست ها دربن بست

۳

آیا رفت و آمدهای اخیر، خواسته ملت مبعوث
را در حاشیه قرار می دهد؟

انتقام خون رهبر شهید سهمگین خواهد بود

۲



نامه معاون رئیس جمهور آمریکا به ایران رسید، اما...

دیپلماسی التماسی آمریکا

۳

از ۶۹۷ شرکت دولتی، ۲۹۰ شرکت زیان ده اعلام شد

شرکت های دولتی، زیر بار زیان و ابهام آماری

اختلاف آماری؛ مانع نظارت بر شرکت های دولتی

در کنار مسئله زیان دهی شرکت های دولتی، یکی از مشکلات مهم و قابل تامل، تعدد آمارهای ارائه شده از سوی دستگاه های مختلف درباره تعداد شرکت های دولتی و وابسته به دولت است؛ موضوعی که این پرسش را مطرح می کند که چرا با وجود تعدد نهادهای نظارتی و اجرایی، هنوز آمار دقیق و واحدی از تعداد این شرکت ها و وضعیت عملکرد آنها وجود ندارد؟ جهانگیر رئیس سازمان بازرسی کل کشور، دوم آبان ۱۴۰۵ نیز در دیدار با نمایندگان مجلس به ماموریت این سازمان برای بررسی وضعیت شرکت های دولتی و وابسته به دولت اشاره کرد و با بیان اینکه در شناسایی این شرکت ها با مشکلات جدی مواجه هستیم، اظهار کرد: سازمان ثبت اسناد و املاک کشور بیش از ۱۵ هزار شرکت را معرفی کرده، در حالی که دیوان محاسبات حدود هزار شرکت و سامانه سحاب وابسته به وزارت امور اقتصادی و دارایی نیز بیش از ۸۰۰ شرکت را اعلام کرده است. به گفته وی، این اختلاف فاحش آماری نشان می دهد که هنوز بانک اطلاعاتی واحد و تعریف دقیق و مشترکی از شرکت های دولتی و وابسته به دولت وجود ندارد و همین خلأ اطلاعاتی می تواند نظارت موثر بر عملکرد این شرکت ها را با مشکل مواجه کند. رئیس سازمان بازرسی با اشاره به تکالیف وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان برنامه و بودجه در زمینه شناسایی شرکت های زیان ده دولتی گفت، این دو دستگاه موظفند تا تیر هر سال شرکت های زیان ده را مشخص کنند و درباره شرکت هایی که ادامه فعالیت آنها ضرورت دارد یا باید منحل یا واگذار شوند، فرآیند تعیین تکلیف را از طریق هیات وزیران پیگیری کنند.

به گفته جهانگیر، اگر شرکتی با وجود زیان ده بودن، بدون تعیین تکلیف و در شرایطی که ادامه فعالیت آن محل سوال است، اقدام به پرداخت پاداش کند، این موضوع می تواند نشانه بروز تخلف و حتی زمینه ای برای شکل گیری فساد باشد و باید با حساسیت و دقت مورد بررسی قرار گیرد.

ضرورت تفکیک بنگاه های تجاری از خدمات عمومی

در خصوص شناسایی و ارزیابی شرکت های زیان ده دولتی، کارشناسان به چند محور مهم اشاره دارند. نخست اینکه از منظر منطق اقتصادی، اگر بنگاه اقتصادی سودده نباشد، ادامه فعالیت آن محل پرسش است، با این حال، ارزیابی عملکرد بنگاه ها بدون توجه به ماهیت فعالیت و ماموریت آنها نمی تواند مبنای قضاوت دقیقی باشد. در این میان، تمایز میان بنگاه های خدمات عمومی و بنگاه های تجاری اهمیت ویژه ای دارد. برای مثال، شرکت های آب و فاضلاب علاوه بر ملاحظات مالی، وظیفه تأمین خدماتی ضروری را بر عهده دارند و نمی توان عملکرد آنها را صرفاً بر اساس میزان سودآوری ارزیابی کرد. به همین ترتیب، انتظار سودآوری از نهادهای مانند آموزش و پرورش، با همان معیارهایی که برای شرکتی همچون شرکت ملی نفت به کار می رود، منطقی نیست. بنابراین سنجش عملکرد شرکت های دولتی باید متناسب با ماموریت، اهداف و الزامات اقتصادی و اجتماعی هر یک صورت گیرد. در واقع، پیش از آنکه درباره ادامه فعالیت، انحلال یا واگذاری یک شرکت دولتی تصمیم گیری شود، باید مشخص شود که زیان ثبت شده ناشی از ناکارآمدی مدیریتی و ساختاری است یا نتیجه اجرای تکالیف عمومی و سیاست های حمایتی دولت. از مجموع این گزارش ها و اظهارات مسئولان برمی آید، این است که ساماندهی شرکت های دولتی صرفاً با اعلام فهرست بنگاه های زیان ده یا تأکید بر واگذاری آنها محقق نمی شود. ایجاد بانک اطلاعاتی واحد، شفافیت مالی، تفکیک هزینه های ماموریت های عمومی از فعالیت های تجاری، اصلاح نظام انتصاب مدیران و استقرار نظام پاسخگویی، پیش نیازهای اصلاح این بخش از اقتصاد کشور هستند. در غرض این صورت، زیان دهی شرکت ها همچنان به یکی از مسیرهای تحصیل هزینه به منابع عمومی تبدیل خواهد شد، مسیری که در نهایت هزینه آن را اقتصاد و مردم پرداخت می کنند.

مدیرعامل سازمان حسابرسی و معاون وزیر اقتصاد، در نخستین همایش راهبری شرکتی در ایران که هفتم آبان برگزار شد، از زاویه دیگری به موضوع نگاه کرد و بخشی از زیان شرکت های دولتی را ناشی از تکالیف قانونی و ماموریت های تحمیل شده به آنها دانست. وی اظهار داشت، بخشی از زیان شرکت های دولتی مربوط به الزام به پرداخت بارانه ها و دیگر تکالیفی است که قانون بر عهده شرکت های دولتی از جمله توانیر و بازرگانی دولتی گذاشته است. بزرگ اصل ادامه داد: تا زمانی که امور تجاری از تکالیف قانونی شرکت های دولتی تفکیک نشود، این روند زیان دهی ادامه خواهد داشت و این تناقض، هم نهادهای تصمیم گیر و هم مردم را سردرگم خواهد کرد. بخشی از زیان های شرکت های دولتی، هزینه اجرای تکالیفی است که بر عهده این شرکت هاست و نباید به حساب سوء مدیریت گذاشته شود. مدیرعامل سازمان حسابرسی با انتقاد از شیوه حکمرانی شرکت های دولتی اظهار کرد: ما این شرکت ها را به صورت اداری مدیریت می کنیم نه شرکتی؛ همین «راهبری اداری» از عوامل اصلی ناکارآمدی و عملکرد ضعیف آنهاست. وی با اشاره به الگوهای جهانی تجارت مانند سنگاپور که در آن اداره شرکت ها بر پایه حاکمیت اقتصاد بازار است، راهکار برون رفت از این وضعیت را در گام نخست، اعطای استقلال تجاری، اتصال حقوق مدیریت به بهره وری و اعطای اختیار تصمیم گیری به مدیران دانست. بزرگ اصل همچنین با اشاره به بند «ت» ماده ۲۵ قانون پنج ساله مقیم پیشرفت که چارچوب پرداخت پاداش به مدیران عامل و اعضای هیات مدیره شرکت های دولتی را به شاخص هایی چون تحصیلات، رشته تحصیلی، سوابق تجربی و مدیریتی، کارآمدی و بهره وری منوط کرده است، بیان کرد: چنین معیارهایی در دنیا پذیرفته نیست و ما چیزی به نام حقوق نجومی به شکل مرسوم که در ایران دیده می شود، در دیگر کشورها نمی بینیم. مدیرعامل سازمان حسابرسی تأکید کرد: برای حل ریشه ای مشکلات و اصلاح ساختار راهبری شرکت های دولتی، پیشنهادهایی چون تفکیک مسائل حاکمیتی از امور تجاری شرکت داری، شایسته سالاری و استقلال هیات مدیره، همسوسازی منافع شرکت ها و مدیران، اعطای اختیار تام به مدیران برای تصمیم گیری، شفافیت در ارائه اطلاعات، جلوگیری از نرخ گذاری دستوری و مستثنی کردن شرکت های دولتی از برخی قوانین مطرح شده است. وی ابراز امیدواری کرد با تکیه بر نیروی انسانی متخصص می توان این بار سنگین را برداشت و ساختار شرکت های دولتی را به سمت بهره وری و کارآمدی هدایت کرد.

عزم دولت برای تعیین تکلیف شرکت های زیان ده

البته موضوع زیان دهی شرکت های دولتی پیش از این نیز در سطح عالی دولت مورد توجه قرار گرفته بود. مسعود پزشکیان، رئیس جمهور، ۲۰ مهر از عزم دولت برای حل مشکل شرکت های دولتی زیان ده خبر داد و با انتقاد از تاخیر زیان دهی شرکت هایی که از سرمایه های قابل توجه برخوردارند، گفت، خیلی هنر نیاز دارد که شرکتی با چندین میلیارد سرمایه، ضررده باشد؛ نمی توانم تصور کنم یک مدیر هم خراب کاری کند و هم پاداش بگیرد. وی با انتقاد از پرداخت پاداش و مزایای کلان به مدیران شرکت های زیان ده دولتی اظهار کرد: افرادی که موجب ایجاد زیان می شوند، فوق العاده های چند صد میلیاردی دریافت می کنند، یعنی به مدیرانی که شرکت های تحت مدیریت شان زیان ده است نیز مزایا پرداخت می شود. پزشکیان با اشاره به برگزاری جلسه ای برای بررسی وضعیت واگذاری شرکت های دولتی اظهار کرد: گروهی برای بررسی این موضوع تشکیل جلسه می دهند تا روند واگذاری این شرکت ها مورد بررسی قرار گیرد. رئیس جمهور با بیان اینکه دولت برای تعیین تکلیف شرکت های تحت اختیار خود مصمم است، به حجم بالای دارایی ها و شرکت های در اختیار دولت اشاره کرد و گفت: حدود هفت هزار هکتار شرکت ها در اختیار دولت و بخش خصوصی قرار دارد، اما در این زمینه مشکلاتی وجود دارد. برای حل مشکلات موجود، علاوه بر مدیریت صحیح، باید مداخلات و اقدامات مختلفی در دستور کار قرار گیرد.

زیان ده بودن بخش قابل توجهی از شرکت های دولتی، موضوعی است که طی سال های اخیر بارها از سوی کارشناسان اقتصادی و صاحب نظران حوزه بودجه مطرح شده است؛ بنگاه هایی که قرار بود با تکیه بر منابع عمومی، بازوی اجرایی دولت در توسعه اقتصادی و ارائه خدمات باشند، اما در مواردی نشتها به اهداف تعیین شده دست نیافته اند، بلکه به یکی از عوامل افزایش هزینه های دولت و فشار بر منابع عمومی تبدیل شده اند.

به گزارش «آگاه» مسئله اصلی اینجاست که بسیاری از این شرکت ها با وجود برخورداری از نیروی انسانی، دارایی ها، امکانات و امتیازات دولتی، از بهره وری و بازدهی متناسب برخوردار نیستند. ساختارهای اداری گسترده، مدیریت غیر تخصصی، انتصاب های غیر مرتبط، نبود نظام ارزیابی عملکرد و مداخلات خارج از منطق اقتصادی، از جمله عواملی هستند که می توانند زمینه زیان دهی این بنگاه ها فراهم کنند. در چنین شرایطی، به جای آنکه شرکت دولتی به منبع درآمد و خلق ارزش اقتصادی تبدیل شود، برای ادامه فعالیت به حمایت های مالی و بودجه ای دولت وابسته می ماند. البته نمی توان همه شرکت های دولتی را با یک معیار ارزیابی کرد؛ برخی از این بنگاه ها به دلیل ماهیت خدمات عمومی، ماموریت های حاکمیتی یا فعالیت در حوزه های راهبردی، الزاماً با هدف سودآوری اداره نمی شوند. با این حال، حتی چنین شرکت هایی نیز باید از نظام شفاف حسابرسی، انضباط مالی و شاخص های سنجش عملکرد برخوردار باشند.

۲۹۰ شرکت دولتی زیان ده هستند

اما به تازگی جهانگیر، رئیس سازمان بازرسی کل کشور، در جلسه شورای عالی قوه قضاییه، گزارشی از وضعیت شرکت های دولتی ارائه کرد که ابعاد قابل توجهی از مسئله زیان دهی این بنگاه ها را آشکار می کند. وی با بیان اینکه از ۶۹۷ شرکت دولتی، تعداد ۶۵۳ شرکت در حال فعالیت هستند، اظهار کرد: ۲۰ شرکت در وضعیت تصفیه و انحلال قرار دارند، ۱۱ شرکت به صورت راکد هستند، ۹ شرکت منحل و چهار شرکت نیز واگذار شده اند. رئیس سازمان بازرسی با اشاره به وضعیت مالی این شرکت ها گفت، مجموعاً از ۶۹۷ شرکت بررسی شده، ۲۹۰ شرکت زیان ده هستند، از مجموع ۸۱ شرکت دولتی اصلی، ۲۷ شرکت زیان ده هستند، همچنین از مجموع ۲۴۲ شرکت دولتی فرعی بررسی شده، ۱۲۸ شرکت و از مجموع ۳۷۴ شرکت وابسته که سهام دولتی آنها نیز به ۵ درصد است، ۱۳۵ شرکت زیان ده هستند. این آمار در حالی مطرح می شود که دیوان محاسبات کشور نیز در شهریور ۱۴۰۴ به موضوع عملکرد مالی شرکت های دولتی ورود کرده و تصویری از وضعیت سودآوری و زیان دهی این بنگاه ها در سال ۱۴۰۳ ارائه داده بود. بر اساس گزارش این نهاد نظارتی، در سال ۱۴۰۳ از مجموع ۳۴۲ شرکت دولتی، تنها ۵۲ درصد معادل ۱۷۸ شرکت سودده، ۴۰ درصد معادل ۱۳۸ شرکت زیان ده و مابقی سربه سر یا در حال تصفیه بوده اند. همچنین در میان یک هزار و ۲۹۸ شرکت شبه دولتی مشمول بررسی، ۶۶ درصد معادل ۸۶۲ شرکت سودده و ۲۹ درصد معادل ۳۷۰ شرکت زیان ده بوده اند و سایر شرکت ها نیز در حال تصفیه یا پیش از مرحله بهره برداری قرار داشته اند. نکته قابل تامل در گزارش دیوان محاسبات، عملکرد مالی شرکت های دولتی در سال ۱۴۰۲ است؛ به طوری که فعالیت این شرکت ها در مجموع به تحمیل زیان خالص ۹۵ هزار و ۹۶۶ میلیارد تومان منجر شده است. رقمی که بار دیگر ضرورت بازنگری در شیوه اداره و نظارت بر بنگاه های دولتی را برجسته می کند.

زیان شرکت ها؛ نتیجه سوء مدیریت یا اجرای تکالیف قانونی؟

با وجود این آمارها، همه مسئولان و کارشناسان، زیان دهی شرکت های دولتی را صرفاً ناشی از ناکارآمدی مدیریتی نمی دانند. در همین زمینه، موسی بزرگ اصل،



کشتی به عنوان هویت ملی

امیر اسماعیلی

سردبیر



کشتی ایران بار دیگر در سال های اخیر جهان را به تحسین واداشته است. قهرمانی همزمان تیم های آزاد و فرنگی در مسابقات جهانی ۲۰۲۵ کرواسی و سپس سلطه مقتدرانه فرنگی کاران در جهانی ۲۰۲۴ آستانه با ۹۲ امتیاز، ۹۲ مدال و حضور در ۹ وزن از ۱۰ وزن، تنها نمونه هایی از این درخشش است. اما این موفقیت ها اتفاقی نیست. پشت این مدال ها و جام ها، ترکیبی از ریشه های عمیق فرهنگی، برنامه ریزی بلند مدت، عمق نیروی انسانی و مدیریت علمی قرار دارد. کشتی در ایران صرفاً یک ورزش نیست؛ بخشی از هویت فرهنگی و تاریخی این سرزمین پهلوانی است. ریشه های آن به ورزش باستانی و زورخانه برمی گردد که قدمتی صدها ساله دارد و با ارزش هایی چون جوانمردی، شجاعت، انضباط و خودباوری گره خورده است. اینپهلوانی چون آقاخاننکی تا نسل های بعدی مانند عبدالله موحّد، امامعلی حبیبی و حسن یزدانی، این رشته همواره جایگاه ویژه ای در دل مردم داشته است. میلیون ها ایرانی کشتی را «ورزش اول» می دانند و پیروزی های آن را فراتر از یک نتیجه ورزشی، به عنوان افتخار ملی جشن می گیرند. این عشق عمومی، انگیزه مضاعفی به ورزشکاران می دهد و حمایت اجتماعی گسترده ای ایجاد می کند که در کمتر کشوری دیده می شود.

یکی از عوامل کلیدی موفقیت های اخیر، تغییر رویکرد مدیریتی فدراسیون کشتی از زمان ریاست علیرضا دبیر است. تدوین و اجرای برنامه راهبردی هشت ساله و ادامه آن تا المپیک ۲۰۲۴ که شامل حوزه های فنی، زیرساختی، اقتصادی، فرهنگی و استعدادیابی است، نتایج ملموسی به بار آورده. این برنامه تأکید ویژه ای بررده های پایه، چرخه انتخابی منظم و قانونمند، بهبود شرایط اقتصادی ملی پوشان و آموزش مربیان داشته است. نتیجه آن را در المپیک ۲۰۲۴ پاریس (دو طلا، چهار نقره و دو برنز) و سپس قهرمانی های جهانی مشاهده کردیم. ثبات مدیریتی، اختیار تام به کادرفنی و پرهیز از تغییرات مداوم، فضایی ایجاد کرده که مربیان و ورزشکاران با خودباوری بیشتری کار کنند. ایران امروز حدود بیش از ۶۰ کشتی گیر در تراز جهانی دارد، ظرفیتی که امکان تشکیل چندین تیم مستقل و رقابتی را فراهم می کند. این عمق به معنای توانایی حضور همزمان در چند رویداد مهم، مدیریت بهتر فشار مسابقات و حفظ آمادگی است. استان هایی مانند مازندران که به «شهر قهرمانان» معروف است، همواره منبع اصلی استعدادها بوده اند. جواگرایی هوشمندانه نیز نقش مهمی ایفا کرده؛ تیم فرنگی با ۲۰۲۵ با میانگین سنی حدود ۲۲،۴ سال جوان ترین ترکیب مسابقات بود. اما موفق به ثبت یکی از بهترین عملکردهای تاریخ شد.

حضور مربیانی چون پژمان درستکار در آزاد و حسن رنگرز در فرنگی که خود از قهرمانان جهان هستند، ترکیبی از تجربه و دانش روز را به تیم ها آورده است. اردوهای طولانی مدت، استفاده از آنالیز علمی، کنترل دقیق وزن، بدنسازی پیشرفته، ریکاوری مدرن و حتی بهره گیری از تکنولوژی های نوین، آمادگی جسمی و روانی ورزشکاران را به سطح بالایی رسانده است. بهبود زیرساخت ها، آلیگ های منظم داخلی و حضور متخصصان تغذیه، فیزیوتراپی و روانشناسی نیز سهم بسزایی داشته اند. در نهایت، آنچه کشتی گران ایرانی را متمایز می کند، روحیه جنگندگی و جسارت است. بسیاری از آنها در شرایط سخت اقتصادی و اجتماعی، با پشتکار و انگیزه ملی به میدان می روند. این روحیه، همراه با حمایت گسترده مردمی، باعث می شود حتی در برابر رقبای قدرتمندی چون آمریکا، روسیه یا ژاپن، تا آخرین لحظه مبارزه کنند. موفقیت کشتی ایران ترکیبی از میراث فرهنگی کهن، برنامه ریزی علمی مدرن، عمق استعدادیابی و مدیریت پایدار است. این مدل نشان می دهد وقتی یک رشته ورزشی ریشه در هویت ملی داشته باشد و با برنامه ریزی هدفمند پشتیبانی شود، می تواند حتی در سطح جهانی دارای همزونی و قدرت شود. چالش پیش رو، حفظ این روند و تبدیل آن به موفقیت پایدار در المپیک های آینده است؛ مسیری که با ادامه همین رویکرد، گام تا یافتنی به نظر می رسد.



چرا نمی‌توان به تعهدات واشنگتن اعتماد کرد؟

محمد امینی – کارشناس مسائل سیاسی: بررسی

حدود ۲۰۰ سال تاریخ آمریکا نشان می‌دهد این کشور همواره در پایبندی به تعهدات خود با چالش روبه‌رو بوده‌و نمی‌توان انتظار داشت که واشنگتن به‌سادگی به توافقاتی که با منافع و خواسته‌هایش همسو نیستند، پایبند بماند. در طول دهه‌های گذشته، برخی طرف‌های فلسطینی با امید به میانجیگری آمریکا و دستیابی به توافق، مذاکرات متعددی را دنبال کردند، اما تجربه این روندها نشان داده است که نمی‌توان به تعهدات و وعده‌های آمریکا اعتماد کامل داشت.

حتی در مواردی که توافق بر اساس خواسته‌های طرف آمریکایی شکل گرفته، پایبندی به تعهدات تضمین‌شده نبوده‌است؛ بنابراین، اگر توافقی برخلاف خواسته‌های واشنگتن و تحت فشار بر این کشور تحصیل شود، احتمال تلاش برای نقض یا بی‌اعتبار کردن آن نیز بیشتر خواهد بود. اینکه رئیس‌جمهوریک کشور (آمریکا) توافقی را امضا کند و پس از مدتی آن را بی‌اعتبار بداند، نشان‌دهنده نوع نگاه او به تعهدات سیاسی است. بنابراین رویکرد معامله‌محور ترامپ و سابقه رفتاری دولت آمریکا، ضرورت احتیاط در ارزیابی وعده‌های واشنگتن را دوچندان می‌کند. همچنین بررسی تحولات یک سال گذشته نشان می‌دهد که هر زمان شرایط اقتصادی جهان، به‌ویژه بازار سوخت و انرژی، با بحران مواجه می‌شود، نشانه‌هایی از تمایل آمریکا به مذاکره بروز پیدا می‌کند و طرف‌های مختلف نیز برای انتقال پیام‌های مذاکره و دستیابی به تفاهم تلاش می‌کنند. افزایش هزینه‌های انرژی به حوزه حمل‌ونقل و قیمت کالاها نیز سرایت می‌کند و فشار اقتصادی بیشتری بر مردم وارد می‌سازد. از این منظر، طرح موضوع مذاکره می‌تواند در چارچوب تلاش برای کنترل پیام‌های اقتصادی و جلوگیری از تشدید فشارها نیز قابل بررسی باشد. در گذشته، انتشار یک پیام از سوی رئیس‌جمهور آمریکا می‌توانست نوسان قابل توجهی در قیمت نفت ایجاد کند، اما اکنون واکنش برای بازارها به این پیام‌ها محدودتر شده است و این وضعیت نشانه‌ای از کاهش اعتماد بازارها به مواضع اعلامی ترامپ است. ضمن آنکه تجربه توافقات گذشته نشان می‌دهد صرف طرح مذاکره با اعلام آمادگی برای دستیابی به توافق، به‌تنهایی نمی‌تواند نشانه‌ای از تغییر رویکرد آمریکا باشد و ارزیابی این روند باید با توجه به سابقه عملکرد واشنگتن و میزان پایبندی آن به تعهدات صورت گیرد.

به عبارتی علم خمینی‌کیرو خامنه‌ای شهید زمین نمی‌ماند، سوم: ملت و جبهه مقاومت هم باید بدانند در فضای سیاسی و دیپلماتیک، هیچ معامله‌ای بر سر خون شهید صورت نمی‌گیرد و عدالت، حتما اجرا خواهد شد. «دیرو زود دارد اما سوخت و سوز ندارد.»

در مجموع نشست‌های منطقه‌ای، نامه‌نگاری‌های آمریکا و رایزنی‌های هیات قطری در تهران، نشان می‌دهد، جمهوری اسلامی در حال اجرای استراتژی دوگانه است. از یک سو، با استفاده از دیپلماسی فعال، محیط پیرامونی را مدیریت کرده و دشمن را در وضعیت ابهام قرار می‌دهد؛ بهره‌وری ضربه نهایی را افزایش دهد. از سوی دیگر، هسته مرکزی تصمیمات نظام را خنثی‌خواهی از رهبر شهیدتشکیل می‌دهد که هیچ رایزنی یا نامه‌ای نمی‌تواند آن را تغییر دهد. همان‌طور که در پیام مقام رهبری تأکید شد، تقدیر قائلان، محرومیت از مرگ طبیعی است. بنابراین، دیپلماسی در اینجا نه جایگزین عدالت، بلکه ابزاری در خدمت آن است تا انتقامی اثرگذار و سهمگین رقم بخورد.

«آگاه» به این پرسش پاسخ می‌دهد؛ آیا رفت و آمدهای اخیر، خواسته ملت مبعوث را در حاشیه قرار می‌دهد؟

انتقام خون رهبر شهید سهمگین خواهد بود



اما اینکه این سیاست به توافق منجر شود یا به تشدید درگیری، به محاسبات دو طرف، اعتبار تعهدات، هزینه‌های ادامه تنش و امکان دستیابی به توافقی قابل اجرا بستگی دارد. ظرفیان گفت، در دولت آمریکا، رئیس‌جمهور، وزارت خارجه، وزارت دفاع، نهادهای امنیتی و مشاوران سیاسی ممکن است درباره اهداف، زمان‌بندی و هزینه‌های مواجهه با ایران دیدگاه‌های متفاوتی داشته باشند. برای مثال، یک مقام ممکن است بر فشار حداکثری تأکید کند در حالی که مقام دیگری دستیابی به توافق را در اولویت قرار دهد. او می‌گوید، در روابط ایران و آمریکا، تهدید و مذاکره الزاماً متناقض نیستند. ممکن است هر دو در چارچوب فشار برای تغییر محاسبات طرف مقابل به کار روند. با این حال، وجود مذاکره را نباید تضمین‌کننده توافق و وجود تهدید را نباید به‌تنهایی اثبات‌کننده تصمیم قطعی برای جنگ دانست.

تبیین پیام رهبری

به هر حال در اوج این رایزنی‌ها، پیام رهبر انقلاب که قبل از این و پس از مراسم تشییع و تدفین رهبر شهید منتشر شد، مانند صاعقه‌ای عمل کرد که تمام توهमत دشمن را درهم شکست. آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای در پیام‌شان به صراحت اعلام کرده بودند، «قاتلان رهبر شهید ایران، آرزوی مرگ طبیعی در بستر را به گور خواهند برد.» این سخنان که حرف اول و آخر نظام جمهوری اسلامی است، حکم قطعی به حساب می‌آید و پیام آن خطاب به سه گروه تحلیل می‌شود.

نخست، به دشمن آمریکا که صهیونی می‌فهماند، هیچ نامه‌ای و هیچ میانجی‌گری نمی‌تواند این تصمیم را تغییر دهد. مرگ شاماد بستر نیست، با انتقام از صفحه روزگار محو خواهید شد. دوم: خطاب به دوستان و متحدان است؛ ایران در مسیر عدالت، از هیچ سازشی استقبال نمی‌کند و با قوت همان مسیر امام فقیه و امام شهید و مبارزه با استکبار و رژیم صهیونی را استمرار می‌دهد و عقب‌نشینی از اصول و آرمان‌های انقلاب معنا و مفهوم نمی‌دارد.

توافق استفاده کنند. وی افزود، گزارش‌های منتشرشده در اکتبر ۲۰۲۶ درباره روابط ایران و آمریکا نیز از تداوم تبادل پیام از طریق میانجی‌هایی مانند قطر و پاکستان، در کنار اختلافات جدی بر سر شرایط توافق، حکایت دارند. میانجیگری به‌خودی‌خود نشانه کاهش تهدید نیست؛ همان‌طور که تهدید نظامی نیز لزوماً به معنای تصمیم قطعی برای آغاز جنگ نیست.

استاد سابق تاریخ دانشگاه تهران با بیان اینکه نکته بعدی اثرگذاری بر افکار عمومی و محاسبات سیاسی است، اظهار کرد: تهدیدها فقط مخاطب خارجی ندارند. آنها ممکن است با هدف تأثیرگذاری بر افکار عمومی داخلی، متحدان منطقه‌ای، بازارهای اقتصادی و حتی رقابت‌های سیاسی در آمریکا مطرح شوند. در نتیجه، باید میان پیام نظامی، پیام دیپلماتیک و پیام تبلیغاتی تمایز گذاشت؛ هرچند این سه گاهی در یک اظهار نظر یا یکدیگر ترکیب می‌شوند. ظرفیان تصریح کرد: با توجه به گزارش‌های موجود تا ۱۴ اکتبر ۲۰۲۶، می‌توان گفت الگوی فشار همراه با حفظ کانا‌های مذاکره، یکی از فرضیه‌های جدی برای توضیح رفتار آمریکا در قبال ایران است. با این حال، نمی‌توان با اطمینان ادعا کرد که تمام تهدیدها صرفاً جنگ‌روانی‌اند یا تصمیم نظامی‌آرپیش گرفته شده است. برای تشخیص اینکه کدام وجه اهمیت بیشتری دارد، باید به سه نوع شواهد توجه کرد: نخست شواهد نظامی، اینکه آیا آرایش نیروها، آمادگی عملیاتی و تدارکات نظامی با یک تهدید لفظی صرف تفاوت دارد. دوم، شواهد دیپلماتیک، اینکه آیا پیشنهادهای ارائه‌شده مشخص، قابل مذاکره و همراه با سازوکار اجرایی‌اند یا بیشتر جنبه تبلیغاتی دارند. وی تأکید کرد: نکته سوم، شواهد تصمیم‌گیری است، اینکه آیا میان پیام‌های سیاسی و اقدامات اجرایی دولت آمریکا هماهنگی مشاهده می‌شود؟ هیچ یک از این شاخص‌ها به‌تنهایی تعیین‌کننده نیست؛ ترکیب آنهاست که امکان ارزیابی دقیق‌تر را فراهم می‌کند.

آگاه مسائل سیاسی با بیان اینکه تهدید، مذاکره و میانجی‌گری می‌توانند ابزارهای مکمل یک سیاست فشار باشند، تصریح کرد:

ایران می‌تواند با قطر گفت‌وگو کند تا از گسترش بی‌هدف جنگ جلوگیری شود، اما همزمان در اتاق‌های عملیاتی، برای اجرای دقیق‌ترین و سهمگین‌ترین انتقام برنامه‌ریزی کند. این یعنی تلاقی عقل سیاسی و عزم جهادی.

ما در تحرکات بین‌الملل با دو اصل روبه‌رو هستیم؛ ۱- اصل ثابت ۲- اصل متغیر. در معادلات فعلی، متغیرها، نامه‌نگاری آمریکا، حضور هیات قطری در تهران و برگزاری نشست‌های منطقه‌ای است اما ثابت این معادله، همان خط اصلی و بنیادین جمهوری اسلامی و آن خونخواهی از رهبر شهید است. این خط قرمز، نه با نامه محرمانه جابه‌جا می‌شود و نه با یک نشست دیپلماتیک کم‌رنگ خواهد شد. در نتیجه هر کس که تصور می‌کند رایزنی‌های فعلی می‌تواند انتقام را به حاشیه براند، ماهیت این نظام را شناخته است. جمهوری اسلامی یاد گرفته است که چگونه در عین فعالیت دیپلماتیک در میزهای مذاکره، دست دیگرش را بر ماشه قرار دهد. در همین رابطه، محمد باقر قلی‌باف، رئیس مجلس شورای اسلامی و رئیس تیم مذاکره‌کننده ایران پنج‌شنبه هفته گذشته در حساب‌کابری خود در فضای مجازی با بیان اینکه شرایط ایران بارها و به‌طور شفاف به میانجی‌ها اعلام شده است، نوشت: رویکرد «چماق و هویج» هیچ تأثیری بر ایران ندارد. پیشرفت تنها زمانی حاصل خواهد شد که هفت شرط ایران مورد پذیرش قرار گیرد.

تمایز میان پیام‌های نظامی، دیپلماتیک و تبلیغاتی

غلامرضا ظرفیان، فعال سیاسی در این باره به خبرنگار روزنامه «آگاه» می‌گوید: حفظ گزینه نظامی در کنار مسیر دیپلماتیک نکته حائز اهمیت است. یکی از الگوهای شناخته‌شده در سیاست بین‌الملل، ترکیب فشار و مذاکره است. دولت‌ها ممکن است همزمان با حفظ آمادگی نظامی، از میانجی‌ها برای انتقال پیام و بررسی امکان

این روزها رفت‌وآمدها در تهران زیاد شده است. در فضای سیاسی امروز، هر حرکت در شطرنج قدرت، هزاران تفسیر به دنبال دارد. وقتی صحبت از محور تهران، دوحه و واشنگتن می‌شود، تحلیل‌گران به دنبال یافتن نشانه‌هایی از درگیری نظامی یا تفاهم می‌گردند. در روزهای اخیر، زنجیره‌ای از اتفاقات رخ داده است؛ از نشست‌های سه جانبه در تهران و نامه معاون اول رئیس‌جمهور آمریکا به دبیر شورای عالی امنیت ملی گرفته تا ورود هیات قطری به پایتخت ایران. شاید تحرکات اخیر، در نگاه اول، تغییر مسیر یا تعدیل مواضع به نظر برسد، اما با تکیه بر سه رکن اساسی سیاست خارجی یعنی «عزت، حکمت و مصلحت»، می‌توان فهمید، این وقایع هرگز به معنای تضعیف عزم جمهوری اسلامی نیست. حقیقت این است که دیپلماسی در اینجا جایگزین انتقام نشده، ابزاری است تا این انتقام در زمان و مکان درست، بیشترین اثر را داشته باشد.

ظهر روز جمعه ارگان رسمی دولت خبر داد، «هیات قطری برای گفت‌وگو و رایزنی با مقام‌های جمهوری اسلامی ایران وارد تهران شد. این هیات به ریاست مشاور ارشد نخست‌وزیر و وزیر خارجه قطر، صبح جمعه هشت آبان، برای دیدار و گفت‌وگو با مقام‌های ارشد جمهوری اسلامی ایران وارد تهران شد. قرار است در این دیدارها درباره مناسبات دو جانبه ایران-قطر و نیز تحولات منطقه گفت‌وگو و رایزنی شود.»

حال ممکن است پرسشی مطرح شود مبنی بر اینکه «چرا در حالی که خون رهبر شهید می‌جوشد و فریاد خونخواهی در کف خیابان‌ها بلند است، کانا‌های دیپلماتیک بازمی‌ماند؟» پاسخ در درک تفاوت میان صلح‌آوری ضعیف و دیپلماسی‌آوری قدرت نهفته است. جمهوری اسلامی امروز در جایگاهی قرار دارد که دیگر نیازی ندارد برای اثبات قدرت خود، تنها به زبان نظامی سخن بگوید؛ قدرت نظامی آن، چنان در منطقه تثبیت شده که اکنون دیپلماسی را به عنوان لایه دوم قدرت به کار می‌گیرد.

ورود هیات قطری و نامه‌نگاری‌های آمریکا، واکنش طرف مقابل به ابهام و معمای است که ایران برای او ساخته است. دشمن می‌داند ایران قادر است انتقام بگیرد، اما نمی‌داند این اتفاق در چه زمان، در چه مکان و با چه شدتی رخ خواهد داد. همین بلاتکلیفی، دشمن را به شدت مضطرب کرده و او را به سمت رایزنی‌های دیپلماتیک می‌کشاند. بنابراین، این رفت و آمدها، نتیجه توافقی پنهانی نیست، در اصل از ترس دشمن است که می‌داند ضربه‌ای در حال شکل‌گیری است. دیپلماسی در اینجا ابزاری است تا ایران محیط اطرافش را مدیریت کند تا وقتی ضربه نهایی زده شد، بیشترین آسیب و ضربه سخت‌تری را به پیکره دشمن وارد کند.

نامه‌های محرمانه و میانجی‌گری‌ها

بازتاب نامه‌جی‌دوئس به دبیر شورای عالی امنیت ملی، پیامی فراتر از مکاتبه واشنگتن به تهران دارد. این نامه اعتراضی است به اینکه واشنگتن متوجه شده است، با اراده‌ای روبه‌روست که با تهدید یا تحریم خاموش نمی‌شود. وقتی آمریکا با میانجی‌هایی چون قطر به دنبال گفت‌وگو هستند، یعنی دریافت‌اند «زبان قدرت» جمهوری اسلامی، اکنون زبان اول و اثرگذار منطقه است. به خصوص که «آقامحسن» در دیدارهای رسمی با زبان بدن خود این قدرت را به طرف مقابل به خوبی منتقل کرد و حساب کار دست‌شان آمد. بر همین اساس، باید برای مردم مبعوث شده تبیین کرد، این رایزنی‌ها نباید با معامله بر سر خون آقای شهید ایران اشتباه گرفته شود. در تاریخ سیاسی جمهوری اسلامی، هرگز میان مدیریت تنش‌ها و اجرای عدالت تضادی وجود نداشته.

اتفاقات اخیر در تنگه هرمز، فراتر از چند عملیات نظامی، اعلام یک دوران جدید است، دورانی که در آن ایران از فضای هشدار خارج شده و به صورت مستقیم به زبان عمل سخن می‌گوید. انهدام تجهیزات دشمن و آتش گرفتن نفتکش‌های متخلف، پاسخی قاطع به توهमत آمریکا و متحدانش است که گمان می‌کردند می‌توانند با نادیده گرفتن قواعد، اراده ایران را بشکنند. دشمن شاید به دلیل عادت به سلطه، هنوز در وضعیت انکار است و ریسک می‌کند، اما هر انفجار در این آتراه، ثابت می‌کند، امروز قواعد بازی را ایران می‌نویسد و هرگونه جسارت، تنها به شکستی سخت و شرم‌آور ختم خواهد شد.

روابط عمومی نیروی دریایی ارتش روز گذشته در اطلاعیه‌ای خبر داد: یک فروند شمشاد متعلق به دشمن که در حال تردد و فعالیت در محدوده عملیاتی شرق تنگه هرمز بود، توسط دریادلان نیروی دریایی ارتش مورد اصابت قرار گرفت و منهدم شد. همچنین دو فروند نفتکش متخلف دشمن که بدون توجه به هشدارها و ضوابط اعلام‌شده، با خاموش کردن سامانه‌های ردیابی در

انهدام شمشاد دشمن توسط نیروی دریایی ارتش

تنگه هرمز؛ قلمرو اقتدار

چرا دشمن با وجود ضربات سخت، درس نمی‌گیرد؟

حال یک سوال مهم طرح می‌شود و اینکه چرا دشمن از ضربات در تنگه عبرت نمی‌گیرد و هنگامی که به وضوح می‌بیند نفتکش‌هایش می‌سوزند و تجهیزاتش نابود می‌شوند، چرا باز هم دست از تحرکاتش نمی‌کشد؟ پاسخ؛ دشمن، به خصوص آمریکا و متحدانش، سال‌ها به قدرت جهانی مسیر امام فقیه و کاری می‌خواهند بکنند و هیچ‌کس جلوی آنها را نگیرد. آنها درگیر «توهم قدرت» هستند و فکرمی‌کنند با فشار آوردن یا نادیده گرفتن هشدارها، می‌توانند اراده ایران را بشکنند. از نظر آنان، اگر در برابر می‌های دریایی یا ضربات نیروی دریایی ایران عقب‌نشینی کنند، یعنی نفوذشان در منطقه را از دست داده‌اند. برای همین، ترجیح می‌دهند ریسک کنند و حتی نفتکش‌های‌شان را به آتش بکشند. اما تسلیم واقعیت‌های میدان نشوند.

اگر بخواهیم وضعیت فعلی دشمن را بررسی مختصر کنیم، باید بگوییم آنان در حال حاضر در وضعیت انکار به سر می‌برند. با وجود اینکه چشم‌شان حقیقت را می‌بیند، اما نمی‌خواهند آن را بپذیرند. تلاش می‌کنند این ضربات سخت را اتفاقاتی ساده، محدود یا حتی تهدیدهای جلوه دهند تا جلوی فروپاشی خود را بگیرند. اما حقیقت این است، هر انفجار و هر شعله آتشی که در تنگه هرمز زبانه می‌کشد، تکه‌ای از دیوار توهमत آنها را می‌شکند و با واقعیت تلخی روبه‌رو می‌کند؛ اینکه ایران و ایرانی‌ها در برابر آنها تسلیم نمی‌شود. دشمن در واقع در حال آزمون و خطاست؛ می‌خواهند بفهمند آیا این ضربات اتفاقی بوده یا ایران واقعا اراده و جرأت تکرار این عملیات‌ها را دارد؟ پاسخ جمهوری اسلامی به این تردیدها، نه در قالب بیانیه‌ها، در قالب عملیات‌های متوالی، آن هم به صورت محکم، قاطع و تکان‌دهنده داده می‌شود و دیگر هیچ جای شک و تردید یا باقی نمی‌گذارد. پیامی که قبلاً از سوی فرماندهان ارشد نیروهای مسلح به دشمن متجاوز داده شده بود.

روابط عمومی نیروی دریایی سپاه در اطلاعیه‌ای آورده است: این سومین نفتکشی است که به دلیل عبور از مسیر غیرمجاز دریگ روز دچار انفجار و آتش‌سوزی شده است. این سوپر نفتکش با بیش از دو میلیون بشکه نفت در دهانه تنگه هرمز رها شده و در حال سوختن است، روز پنج‌شنبه روابط عمومی نیروی دریایی ارتش نیز خبر داد بود، یک نفتکش متخلف در هرچای دنیا، هر از بخورد با مین‌های دریایی، آسیب و آتش‌سوزی متوقف شد. اخبار اخیر از شرق تنگه هرمز، از انهدام شمشاد دشمن گرفته تا انفجار و آتش‌سوزی سه نفتکش متخلف، پیامی صریح و روشن را به دنیا داد: تنگه هرمز دیگر جای هرگونه تحرک بی‌پروا و غیرقانونی نیست. وقتی یک سوپر نفتکش با دو میلیون بشکه نفت در دهانه تنگه رها شده و در حال سوختن است، این یعنی معادلات تغییر کرده است. ایران امروز در آب‌های خود، نه تنها چشم‌باز دارد، بلکه هرگونه نفوذ یا تخلف را با پاسخی سریع و سخت متقابل می‌کند.

از هشدار تا عمل

سال‌ها بود که دنیا عادت کرده بود از کشورهای مختلف، هشدار بشنود. اما تفاوت اتفاقات امروز در این است که جمهوری اسلامی از فضای هشدار دادن خارج شده و وارد فضای عملیات شده است. وقتی نفتکش‌هایی که سامانه‌های ردیابی خود را خاموش کرده‌اند تا مخفیانه در مناطق ممنوعه حرکت کنند، با مین‌های دریایی برخورد می‌کنند، یعنی دشمن با سیستم نظارتی و دفاعی روبه‌روست که هیچ نقطه گوری ندارد. انهدام شمشاد و آتش گرفتن نفتکش‌ها نشان می‌دهد، نیروی دریایی ارتش و سپاه، هماهنگی کاملی در مدیریت این منطقه دارند. این اتفاقات به دشمن می‌گوید، مسیر غیرمجاز در تنگه هرمز، مسیری است که نامی‌ختم می‌شود. اقتدار ایران در اینجا یعنی تحرک، اما تعیین می‌کنیم چه کسی، کجا و چگونه حرکت کند و هر کس که بخواهد قواعد این منطقه را با بازی بگیرد، باید هزینه سنگینی بپردازد.

حسین سیاه‌نوری، کارشناس مسائل بین‌الملل درباره پیام‌های فرماندهان ارشد نظامی، گفت: صحبت‌های این عزیزان نشان‌دهنده آمادگی برای پاسخگویی به جسارت دشمن به شکلی بسیار سخت‌تر است، اگرچه جزئیات دقیق سلاح‌ها فاش نمی‌شود، اما مشخص است که مسئولین روی افزایش برد، دقت و کیفیت کلاک‌های پهبادی کار می‌کنند. وی افزود، موضع فرماندهان، پیام اقتدار و آمادگی برای انجام یک سیلی محکم به دشمن است و نشان می‌دهد که ایران جنگ نامتناظر را در حوزه پهباده‌ها به شکلی قوی پرورش داده است. کارشناس مسائل بین‌الملل با اشاره به اظهارات مقامات آمریکایی درباره قدرت ایران در تنگه، اظهار کرد: این موضوع نشان‌دهنده قدرت بازدارندگی برپای ایران است که می‌تواند ادوات جنگی و گماشته‌های دشمن را به راحتی مورد هدف قرار دهد. سیاه‌نوری با بیان اینکه دشمن با خطای محاسباتی در مورد ظرفیت‌های ایران مواجه شده و گمان می‌کرد می‌تواند در مدت کوتاهی عملیاتی را علیه جمهوری اسلامی انجام دهد، اما نتوانست در برابر توانایی ایران در مدیریت جبهه‌های متعدد و پاسخ همزمان به رژیم صهیونیستی و پایگاه‌های آمریکایی در منطقه ایستادگی کند. تأکید کرد، اگر جنگی رخ دهد، آسیب‌های جبران‌ناپذیری به پیکره این غول مدعی وارد خواهد شد.

تنگه هرمز، نقطه مرگ متجاوزان

اتفاقات اخیر فقط عملیات نظامی ساده نیست. ایران با دیدگری به دنیا ثابت کرد، امنیت انرژی جهان، در گرو احترام به حاکمیت ملی ایران است. هر کس که فکرمی‌کند می‌تواند با خاموش کردن ردیاب‌ها، امنیت ملی ما را بازی بگیرد، باید بداند که در تنگه هرمز، «قواعد بازی» را ایران می‌نویسد. اینکه نفتکش‌های متخلف یکی پس از دیگری آچمز می‌شوند، پیامی برای تمام نشستی‌های دنیا است: «اگر به ضوابط احترام بگذارید، امنیت دارید و اگر متخلف شوید، با دردناک‌ترین هزینه‌ها مواجه می‌شوید.» در نهایت باید گفت که دوران صوری و فقط هشدار دادن به پایان رسیده است. امروز هر تحرکی در شرق تنگه هرمز با پاسخی متناسب و مقتدرانه روبه‌رو می‌شود. دشمن هر چقدر هم که توهم قدرت داشته باشد، در نهایت با واقعیت «آتش و انفجار» روبه‌رو خواهد شد. هرمز امروز بیش از هر زمان دیگری، نماد اقتدار ایران است؛ جایی که در آن هرگونه جسارت دشمن، به شکستی سخت و شرم‌آور تبدیل می‌شود.





محمد مخبر، مشاور و دستیار مقام رهبری؛
اروپا در همکاری با آمریکا، باد کاشت و امروز طوفان درو می‌کند



نامه معاون رئیس‌جمهور آمریکا به ایران رسید، اما...

دیپلماسی التماسی آمریکا



طی ۷۲ ساعت اخیر فضای سیاسی و خبری داخلی و بین‌المللی، تحت تأثیر نامه‌جی‌دی ونس، معاون رئیس‌جمهور آمریکا خطاب به سرلشکر محسن رضایی، دبیر شورای عالی امنیت ملی کشورمان قرار دارد. درخصوص محتوای نامه‌مذکور گمانه‌زنی‌های زیادی شده است؛ اما آنچه اهمیت دارد آن است که ایران از مواضع خود عدول نکرده است و مادامی که هفت شرط اساسی اش به یکباره و بالمره، تحقق نیابد، هیچ‌گونه مذاکره‌ای را با طرف آمریکایی نخواهد داشت.

به گزارش «آگاه» پایان جنگ در تمامی جغرافیای مقاومت، رفع محاصره دریایی ایران، آزادسازی دارایی‌های بلوکه شده کشورمان در خارج و رفع تحریم‌های مرتبط با فروش نفت، از اساسی‌ترین شروط ایران برای آغاز هر مذاکره‌ای و به تبع آن، بازگشایی تدریجی تنگه هرمز است.

نکته دیگری که درخصوص نامه ونس مطرح است، آن است که در این نامه هیچ ابتکار تازه‌ای از سوی طرف آمریکایی مطرح نشده و صرفاً متن و لحن نامه محترمانه تر است؛ قطعاً این قبیل تردستی‌ها در قبال ایران موثر نخواهد بود و آمریکا اگر می‌خواهد آبرومندانه از جنگ با ایران خارج شود، باید اقدام عملی انجام دهد.

مبحث دیگر، نیاز سیاسی و جناحی ترامپ و ونس به دستاوردهای است. کم‌تر از پنج روز دیگر به انتخابات میان دوره‌ای کنگره آمریکا زمان باقی است و جمهوریخواهان نیاز مبرم دارند تا از جنگ ایران یک دستاورد سیاسی درست کنند. بهترین مصداق در این رابطه، آن است که طی مذاکراتی سریع، تفاهم‌نامه‌ای را منعقد کنند و در جامعه آمریکا چنین القا کنند که در نتیجه قدرت سخت و حمله نظامی به ایران، پرونده هسته‌ای تهران برای همیشه مختومه شد.

هسته‌ای، خط قرمز ایران است

در اینجا هوشمندی جمهوری اسلامی ایران، قابل تحسین است که از همان ابتدای انتشار خبر ارسال نامه ونس، از طرق مختلف، اعلام کرد که به هیچ وجه در مرحله نخست و تا پیش از تحقق هفت شرطش، هیچ امتیاز هسته‌ای به آمریکا نخواهد داد. به بیان دیگر، تقویم شکننده انتخاباتی کاخ سفید، واشنگتن را به صرافت دستاوردسازی‌های نمایشی انداخته، غافل از آنکه تهران بازار سیاست‌ورزی‌های زودگذر را به رسمیت نمی‌شناسد.

در فرامتن اخبار و گمانه‌زنی‌های سیاسی و رسانه‌ای در باب نامه ونس و واکنش ایران، چند نکته مستتر است و از جمله آنکه واشنگتن در چهره محاسبات غلط خود گرفتار آمده و در جست‌وجوی راه نجاتی آبرومندانه از باطلای منطقه‌ای است که خود آفریده است. از منظر ایران، فراتر از الفاظ دیپلماتیک و نامه‌نگاری‌های مصلحتی، میدان نبرد اراده‌هاست که خط فاصل میان پیروزی و سازش را ترسیم می‌کند. جمهوری اسلامی ایران با صلاحت بر خاسته از اقتدار میدانی، هرگونه دیپلماسی فرسایشی را به سمت حمله هفت شرط بنیادین خود متنبود کرده است. بازی با واژگان و تعبیر نقیر مکتوبات، بی‌فرونی کاذب بر استیصال ساختاری آمریکا است که زبان زور را در برابر اراده پولادین ملت و نظام ایران باخته است.

نامه‌ای با محتوای تکراری

اما طبق آنچه منابع خبری آگاه منتشر کرده‌اند برخلاف اظهارات ترامپ و رسانه‌های غربی، ایران در نامه اخیر ونس موضوع مهمی که شایسته جواب باشد، نیافته است. نامه ونس بیش از آنکه گامی در جهت یک دیپلماسی واقعی ارزیابی شود، به عنوان نقشه مشرکتی با ترامپ برای امتیازگیری هسته‌ای از ایران قبل از انتخابات میان دوره‌ای کنگره ارزیابی شده است. علاوه بر نامه ونس، ایران طرحی از قطر دریافت کرده که به آن پاسخ خواهد داد. قطری‌ها خواستار کوتاه‌تر شدن زمان بندی اجرای طرح شده‌اند که ایران با آن مخالفت ندارد اما ایران از هفت شرط خود به عنوان پیش‌نیاز باز شدن تنگه هرمز با ترتیبات ایرانی کوتاه نخواهد آمد و هیچ نشان می‌دهد که بخشی از جمهوریخواهان نگران تأثیر عملکرد رئیس‌جمهور آمریکا بر سبب رای خود هستند و تلاش می‌کنند میان موقعیت انتخاباتی خود و سیاست‌های ترامپ فاصله ایجاد کنند.

دولت ترامپ در شرایطی قرار دارد که باید درباره هزینه‌های مالی و پیامدهای اقتصادی جنگ به افکار عمومی پاسخ دهد. در چنین وضعیتی، ادامه درگیری بدون چشم‌انداز روشن برای پایان آن، فشار مضاعفی بر دولت آمریکا وارد می‌کند. جمهوریخواهان احساس می‌کنند که سبب رای آنها در معرض خطر قرار گرفته است، به همین دلیل، ترامپ می‌کوشد با طرح موضوع آغاز مذاکرات، این پیام را به افکار عمومی آمریکا منتقل کند که در حال حل و فصل مسئله ایران است. از این منظر،

هیچ یک از بلوک‌های انتخاباتی در اراضی اشغالی، نمی‌توانند دولت تشکیل دهند

صهیونیست‌ها در بن بست

نتانیا‌هو به دنبال مشروعیت‌زایی نتایج انتخابات است

رهبران اپوزیسیون رژیم صهیونیستی اعلام کردند نتانیا‌هو و حزب لیکود کمپینی سازمان یافته برای زیر سوال بردن و مشروعیت زدایی از نتایج انتخاباتی که برای سه راه انداخته اند. در مواجه با این وضعیت، یائیر لاپید، رهبر اپوزیسیون رژیم صهیونیستی، پس از دیدار با رئیس شایاک تأکید کرد که هیچ خطری نتایج انتخابات را تهدید نمی‌کند و هیچ مانعی برای ادای سوگند نمایندگان کنست وجود ندارد. همچنین گادی آیزنکوت، رئیس حزب یشار، حزب لیکود و نتانیا‌هو را عامل تلاش برای تضعیف نتایج انتخابات دانست و بر لزوم برگزاری مراسم تحلیف نمایندگان در موعد مقرر تأکید کرد. این تحولات پس از آن رخ داد که شایاک و کمیته مرکزی انتخابات رژیم صهیونیستی اعلام کردند هیچ گونه شواهدی دال بر دستکاری در نتایج یا مخدوش شدن روند انتخابات وجود ندارد و تحقیقات درباره شائبه‌های مطرح شده همچنان ادامه دارد. چهره‌های مخالف رژیم صهیونیستی برای بحث در مورد تشکیل دولت ائتلافی پس از انتخابات گرد هم آمده‌اند. یائیر گولان، رئیس حزب چپ‌گرای لیبرال دموکرات، گفت که با گادی آیزنکوت، رقیب اصلی بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر، دیدار کرده است. گولان پس از این دیدار در پلتفرم ایکس نوشت که نجات اسرائیل در گرو اما و اگر است. گولان همچنین با منصور عباس، رهبر حزب فهرست متحد عرب موسوم به رعم که عملگرا تلقی می‌شود و همچنین با یائیر لاپید، رهبر سابق مخالفان، دیدار کرد. گولان بعداً اظهار داشت که می‌خواهد همه گزینه‌ها را بررسی و با همه شرکا همکاری کند. او اخیراً خواستار ائتلاف با احزاب عربی شد که در انتخابات عملکرد قوی داشتند، اما سایر احزاب مخالف تاکنون این پیشنهاد را رد کرده‌اند.

نتانیا‌هو، بدون اکثریت پارلمانی

اما در ادامه بن بست جاری در اراضی اشغالی پس از انتخابات کنست رژیم صهیونیستی، بنیامین نتانیا‌هو، نخست‌وزیر این رژیم در حالی که اکثریت کرسی‌های را نیز در اختیار ندارد، ادعا کرد که نباید کابینه‌ای با حضور فهرست‌های عربی تشکیل شود! این در حالی است که با اعلام نتایج نتایج نتایج پارلمانی یا همان کنست رژیم صهیونیستی، هیچ یک از بلوک‌های سیاسی موفق به کسب حد‌نصاب ۶۱ کرسی برای در تل آویو وارد مرحله ای جدید شود. بلوک نتانیا‌هو که احزاب راست‌گرا و راست افراطی را دربر می‌گیرد، ۵۳ کرسی از مجموع ۱۲۰ کرسی کنست را به دست آورد. کمیته مرکزی انتخابات رژیم صهیونیستی روند شمارش نتایج آرا از جمله صندوق‌های موسوم به پاکت‌های دوگانه، مربوط به نظامیان، زندانیان، بیماران و افراد معذور از حضور در شعب اصلی را با ثبت مجموع پنج میلیون و ۶۹۷ هزار و ۲۹۰ رأی به پایان رساند. با قطعی شدن این ارقام، هیچ‌کدام از بلوک‌های سیاسی موفق به کسب حد‌نصاب ۶۱ کرسی برای تشکیل کابینه رژیم نشدند، ائتلاف به سرکردگی بنیامین نتانیا‌هو، ۵۳ کرسی، ائتلاف رقیب به ریاست گادی آیزنکوت ۴۸ کرسی و احزاب عربی نیز در مجموع ۱۹ کرسی را به خود اختصاص دادند.

طرح سری نتانیا‌هو که در نطفه خفه شد

اما طبق افشاگری برخی از روزنامه‌نگاران سرشناس صهیونیستی، نتانیا‌هو تا لحظه آخر، پیش از برگزاری انتخابات، امید به جلب نظر مساعد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای تجاوز مجدد در ایران داشت، تا از این طریق، انتخابات را به تعویق بیندازد. در همین راستا، رونن برگمن، روزنامه نگار معروف صهیونیستی در



اوتاو با ابوظبی همصد شد اقدام سخیف و ضد ایرانی کانادا

اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان ادعاهای گستاخانه و مداخله جویانه امارات متحده عربی و کانادا درباره جزایر سه گانه ایرانی، مندرج در بیانیه مشترک ولیعهد ابوظبی و نخست‌وزیر کانادا را شدیداً محکوم و تأکید کرد، جزایر ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک بخش جدایی ناپذیر و ابدی از قلمرو سرزمینی ایران است و تکرار ادعاهای موهوم و بی‌اساس درباره آنها، هیچ تغییری در واقعیت‌های مسلم جغرافیایی، تاریخی و حقوقی ایجاد نخواهد کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه با محکوم کردن اقدام سخیف کانادا در هم‌صدایی با حکومت امارات در طرح ادعای ارضی علیه ایران، خاطرنشان کرد، چنین اقدامی از سوی کانادا – که خود با ادعاهای ارضی از سوی هیات حاکمه آمریکا مواجه است – اقدامی کونه نگارانه، ناقض اصول بنیادین منشور ملل متحد و مغایر با حقوق بین الملل است و مسئولیت بین المللی دولت کانادا را به دنبال دارد. بقایی به حکومت امارات توصیه کرد به جای تکرار بی حاصل ادعای ارضی علیه یک کشور بزرگ همسایه، به اصل حسن هم جواری پایبند باشد. شایان ذکر است، مارک کارنی، نخست‌وزیر کانادا و خالد بن محمد بن زاید آل نھیان، ولیعهد ابوظبی، روز چهارشنبه ۶ آبان ۱۴۰۵، همزمان با نخستین سفر رسمی ولیعهد ابوظبی به اناوا، در بیانیه‌ای مشترک، ادعای ارضی امارات متحده عربی درباره جزایر سه‌گانه ایرانی را تکرار کردند. در رخدادی دیگر، اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران، صبح جمعه هشت آبان، در واکنش به ادعاهای مطرح شده توسط تشکیلات موسوم به گزارشگر حقوق بشر ایران، در شبکه اجتماعی ایکس نوشت، صرف نظر از ماهیت کاملاً سیاسی تشکیلات موسوم به گزارشگری حقوق بشر ایران که با انگیزه‌های بدسگالانه توسط انگلیس بر شورای حقوق بشر تحمیل شده است، سوء استفاده مضاعف از این تشکیلات برای مقصر جلوه دادن ایران به خاطر جنایات ارتكابی آمریکا و اسرائیل، چیزی جز تظہیر آگاهانه تجاوز، جنایت و اقدامات قهرآمیز یک جانبه نیست. چنین رویکردی عمیقاً گمراه‌کننده و شدیداً فریبکارانه است.

صهیونیست‌ها خانه‌های مردم لبنان را آتش زدند حملات وحشیانه رژیم اسرائیل به جنوب لبنان

ارتش رژیم اسرائیل در ادامه حملات خود به جنوب لبنان، ضمن اجرای عملیات انفجار در شهرک الطبری در شهرستان بنت جبیل و تخریب یک منزل در مسیر کفرشوبا، چندین منطقه در جنوب لبنان را گلوله باران کرد و نظامیان این رژیم اقدام به آتش زدن منازل در شهرک الفنطره کردند.

طبق گزارش خبرگزاری ملی لبنان، ارتش رژیم صهیونیستی از صبح روز جمعه حملات خود به مناطق مختلف جنوب لبنان را ادامه داده است. بر اساس این گزارش ارتش رژیم اسرائیل بعد از ظهر روز جمعه یک عملیات انفجار در شهرک الطبری واقع در شهرستان بنت جبیل در جنوب لبنان انجام داد. همزمان با این عملیات، توپخانه ارتش رژیم اسرائیل وادی الحجیر در سمت شهرک تولین را با گلوله‌های توپخانه‌ای ۱۵۵ میلی‌متری هدف قرار داد. خبرگزاری ملی لبنان اضافه کرد که حملات توپخانه‌ای ارتش رژیم اسرائیل همچنین اطراف شهرک کفرشوبا در منطقه العرقوب، جومه شهرک حداتا در شهرستان بنت جبیل و وادی زربقین در شهرستان صور را هدف قرار داد. منطقه واقع میان دو شهرک میفدون و زوطر الشرقیه نیز هدف گلوله باران متناوب توپخانه ارتش رژیم اسرائیل قرار گرفت. منابع لبنانی تاکنون گزارشی درباره تلفات احتمالی ناشی از این حملات منتشر نکرده‌اند.

آتش زدن منازل در الفنطره

خبرگزاری ملی لبنان همچنین گزارش داده که نیروهای ارتش رژیم اسرائیل اقدام به آتش زدن منازل در شهرک الفنطره در جنوب لبنان کردند. بر اساس این گزارش، نظامیان رژیم صهیونیستی همزمان با آتش زدن منازل، اقدام به عملیات گشت‌زنی در این منطقه کردند. ارتش رژیم اسرائیل همچنین یک منزل مسکونی را در مسیر کفرشوبا – ته سدانه – شیعا منفجر کرد. خبرگزاری ملی لبنان افزود که این منزل متعلق به یکی از اهالی شهرک کفرشوبا بوده و در پی انفجار، ساختمان و محتویات آن منهدم شده است. رژیم صهیونیستی از دوم مارس (۱۱ اسفند ۱۴۰۴)، حمله گسترده‌ای را علیه لبنان آغاز کرد که علاوه بر شهادت و زخمی شدن شماری از شهروندان لبنانی، بیش از یک میلیون نفر هم آواره شده‌اند و همچنان بخش‌هایی در جنوب این کشور در اشغال این رژیم است. در همین حال، لبنان و رژیم صهیونیستی چندماه قبل با مین‌جنگری آمریکا «توافق چارچوب» امضا کردند، توافقی که هدف آن پایان دادن به جنگ میان رژیم اسرائیل و حزب‌الله عنوان شده است. این توافق پس از چند دور مذاکرات مستقیم میان دو طرف در واشنگتن حاصل شد. در عین حال، این توافق با انتقاداتی نیز روبه‌رو شده است. منتقدان به انیام در وضعیت حقوقی توافق و نبود جدول زمانی مشخص برای خروج نیروهای صهیونیست اشاره می‌کنند.



بدیعت آخرت نوشت: تلاش‌های نتانیا‌هو برای برافروختن جنگ پیش از انتخابات متوقف شد، اما او تا آخرین لحظه ناامید نشد. مقام‌های ارشد امنیتی فاش می‌کنند که نخست‌وزیر برای اقدامی که لزوماً حمله‌ه‌وایی نیست فشار می‌آورد، به این فرض که به واکنشی ایرانی متجر خواهد شد، این اقدام خشم و نگرانی در رأس ستاد کل ارتش اسرائیل، از جمله در نیروی هوایی و جامعه اطلاعاتی را برانگیخت تا اینکه از دستور کار خارج شد. پس از بسته شدن صندوق‌های رأی، احتمال از سرگیری آتش بیشتر می‌شود. بنا به نوشته برگمن، یک شنبه گذشته، در ساعتی دیروقت، مجموعه‌ای از نشست‌ها و تماس‌های تلفنی میان مقام‌های آگاه از تحولات در دستگاه امنیتی و چند تن از رهبران احزاب بلوک تغییر به‌رهبری آیزنکوت برگزار شد. در آن نشست‌ها، نگرانی از یک ربایش مطرح شد که نخست‌وزیر بنیامین نتانیا‌هو درصد د پیشبرد آن بود، اقدامی در ایران که لزوماً حمله‌ه‌وایی نیست. در این میان، سوظنی‌که در میان مقام‌های ارشد دستگاه امنیتی شکل گرفت، نتیجه زنجیره تحولات در محور اورشلیم – واشنگتن – تهران در

ماه منتهی به انتخابات بود. نتانیا‌هو تلاش کرد سوار درخواست آمریکا برای ایجاد آمادگی جهت حمله شود، بدون تاریخ هدف، تا آن را به حمله‌ای واقعی تبدیل کند، با یک تاریخ، هر تاریخی، مهم این بود که پیش از انتخابات باشد. به نوشته برگمن، چنین حمله‌ای به ضد حمله ایرانی و از سرگیری جنگ می‌انجامید، با تمام پیامدهای سیاسی. وقتی نتانیا‌هو دریافت که به دلیل مخالفت رئیس ستاد کل و فرمانده نیروی هوایی، همراه با ناقص بودن آمادگی آمریکا و تردید ترامپ در مورد مصلحت اقدام پیش از انتخابات میان دوره‌ای آمریکا، حمله‌ه‌وایی رخ نخواهد داد، به ارزیابی همان مقام‌ها درباره آن طرح جایگزین روی آورد. این امر خشم و نگرانی را در رأس ستاد کل ارتش و درون جامعه اطلاعاتی اسرائیل برانگیخت. از دید نتانیا‌هو، آن مقام‌ها ارزیابی کردند، در صورت کلب خوردن این طرح سری، واکنش ایرانی، انتقام سخت از اسرائیل خواهد بود و از انتخاباتی تا ایرانی تا از سرگیری وضعیت جنگی در خاور میانه، راه بسیار کوتاه‌است.



در نشست هماهنگی ستاد برگزاری سی‌و چهارمین دوره هفته کتاب چه گذشت؟ از حمایت از کتاب‌فروشی‌ها تا گسترش برنامه‌های کتاب‌خوانی

نشست «هم اندیشی و هماهنگی ستاد برگزاری سی‌و چهارمین دوره هفته کتاب با نهاد‌ها و سازمان‌های همکار» چهارشنبه ۶ آبان، با حضور ابراهیم حیدری، مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران و دبیر این دوره، مدیران ستاد برگزاری و نمایندگان نهاد‌ها، سازمان‌ها و تشکل‌های فرهنگی برگزار شد.
در این نشست، برنامه‌های هفته کتاب، شیوه مشارکت دستگاه‌های مختلف، حمایت از کتاب‌فروشی‌ها و گسترش فعالیت‌های ترویجی در سراسر کشور بررسی شد.

ابراهیم حیدری در ابتدای نشست با اشاره به نزدیک شدن قیمت هفته کتاب به چهار دهه، بر ضرورت بازنگری در شیوه برگزاری و ارزیابی میزان اثرگذاری آن تأکید کرد. او هفته کتاب را پس از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران از مهم‌ترین رویدادهای حوزه نشر دانست و گفت؛ این مناسبت فرصتی برای جلب توجه جامعه و سیاست‌گذاران به کتاب و کتاب‌خوانی است. حیدری اعلام کرد؛ سی‌و چهارمین دوره هفته کتاب از ۲۳ تا ۳۰ آبان با شعار «با کتاب گفت‌وگو کنیم» برگزار می‌شود. به گفته او، تاکنون نزدیک به ۵۰ سازمان و نهاد برنامه‌های خود را اعلام کرده‌اند و برای مشارکت حدود ۸۰ مجموعه نیز مکاتبه شده است.

اجرای برنامه‌ها با مشارکت نهادهای فرهنگی

دبیر هفته کتاب درباره شیوه برگزاری این دوره توضیح داد که معاونت امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خانه کتاب و ادبیات ایران بیشتر نقش تسهیلگر، هماهنگ‌کننده و پشتیبان اطلاع‌رسانی را خواهند داشت و اجرای برنامه‌ها بر عهده نهاد‌ها و مجموعه‌های مشارکت‌کننده خواهد بود. او همچنین خواستار گسترش فعالیت‌ها در استان‌ها، شهرستان‌ها، روستاها و مناطق کم‌برخوردار شد.

یارانه خرید کتاب و حمایت از اهالی نشر

حیدری از انتشار فراخوان حمایت از کتاب‌فروشی‌ها در ۹ آبان خبر داد و اعلام کرد؛ در این طرح، یارانه‌ای برای خرید حضوری و مجازی کتاب اختصاص می‌یابد. او همچنین به پیش‌بینی تسهیلاتی برای نویسندگان، ناشران و کتاب‌فروشان اشاره کرد و خواستار تبدیل کتاب‌فروشی‌ها به مراکزی برای برگزاری نشست‌ها و فعالیت‌های فرهنگی شد.

برنامه‌های مناسبتی و اختتامیه جشنواره میناب

مدیرعامل خانه کتاب و ادبیات ایران از برگزاری اختتامیه جشنواره بین‌المللی داستان‌۶ کلمه‌ای (مدرسه میناب، ۱۶۸ داستان کوتاه نام‌دار) در شهر میناب خبر داد. به گفته او، نزدیک به ۱۶ هزار اثر از ۳۹ کشور به دبیرخانه جشنواره رسیده است. حیدری همچنین خواستار بازتاب رویدادهای دو سال اخیر کشور و موضوعاتی چون مقاومت، همدلی و تاب‌آوری در برنامه‌های هفته کتاب شد.

از مدارس و زندان‌ها تا مترو و کتابخانه‌ها

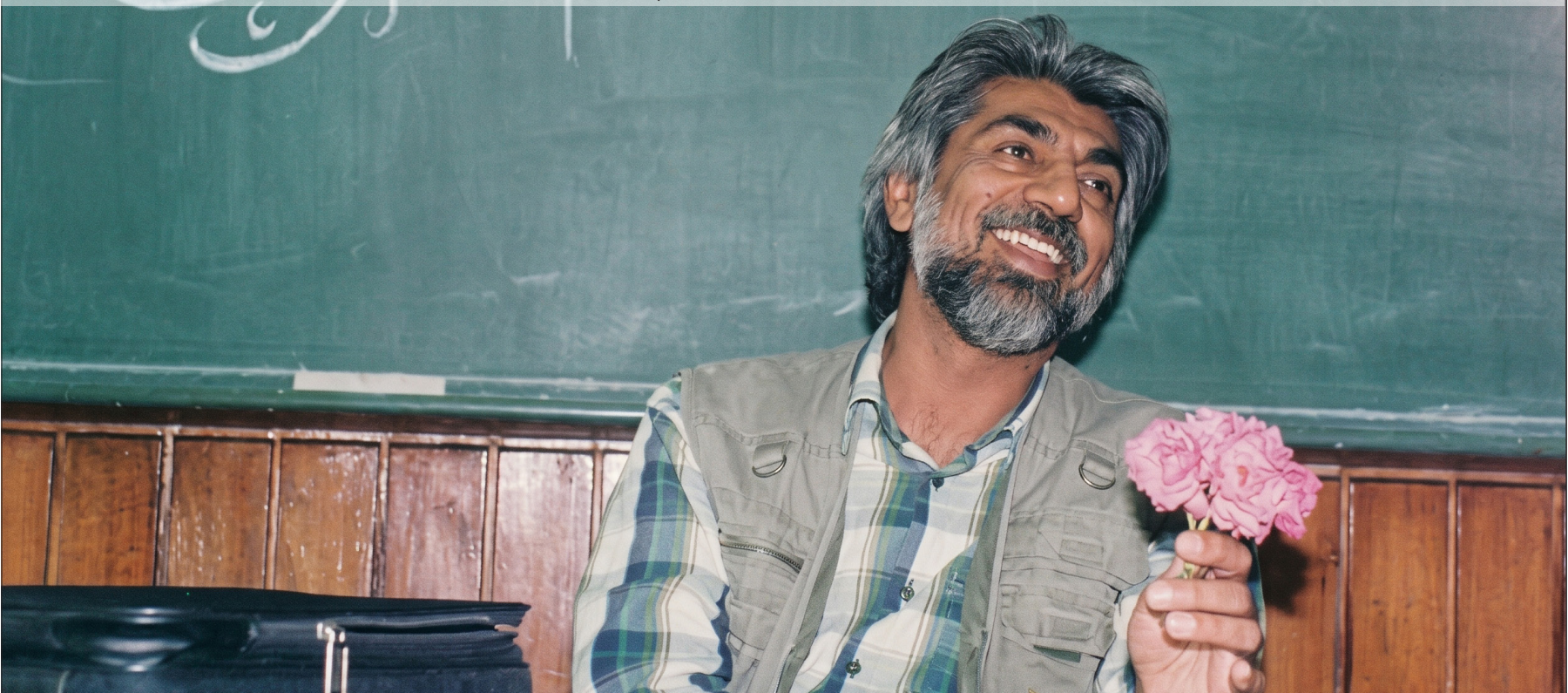
حیدری بر استفاده از ظرفیت مدارس، مترو، زندان‌ها و کتابخانه‌ها برای ترویج کتاب‌خوانی تأکید کرد. او برگزاری کارگاه‌های آموزشی، رونمایی کتاب، اهدای کتاب، تقدیر از کتابداران و اجرای برنامه کتاب‌گردی را از دیگر زمینه‌های فعالیت دانست. همچنین از معرفی آثار برگزیده جشنواره ملی «کاما» در سامانه «بازار کتاب» و تلاش برای ارائه یارانه بیشتر به خریداران این آثار سخن گفت.

در ادامه نشست، نمایندگان نهادهای حاضر پیشنهادهایی از جمله راه‌اندازی بخش تخصصی کشاورزی در کتابخانه ملی، اهدای کتاب به مدارس و زندان‌ها، برگزاری نمایشگاه در سازمان‌ها، تولید آثار بریل برای نابینایان، تشویق دانش‌آموزان به حضور در کتاب‌فروشی‌ها و جمع‌آوری و انتشار آثار شهدای جنگ اخیر مطرح کردند. همچنین بر استفاده از ظرفیت مترو برای نمایش برنامه‌های کتاب‌خوانی و تقدیر از کتابداران دانشگاه علوم پزشکی تهران تأکید شد.



۱۹ سال پس از درگذشت قیصر امین‌پور؛ بازخوانی چهره شاعری که در خاطرات دیگران نیز زندگی می‌کند

قیصر، به روایت آنچه نسرود



کوتاه، زندگی ادبی قیصر امین‌پور را می‌توان در کتاب‌هایش دنبال کرد اما زندگی اجتماعی او در حافظه کسانی پراکنده است که روزی با او هم نشین بوده‌اند. این حافظه همیشه دقیق و بی‌طرف نیست، ولی چیزهایی را حفظ می‌کند که در شرح حال‌های رسمی کمتر جایی دارند.

شعرهای دیگران هم مهم بود

یکی از مهم‌ترین فصل‌های زندگی قیصر، حضورش در «سروش نوجوان» است؛ مجله‌ای که از سال ۱۳۶۷ با همراهی چهره‌هایی چون فریدون عموزاده خلیلی و بیوک ملکی شکل گرفت و به محلی برای آشنایی نوجوانان با شعر و داستان تبدیل شد. معمولاً از این دوره به عنوان بخشی از سوابق فرهنگی قیصر یاد می‌شود. اما اهمیت آن را شاید بهتر باشد در کاری جست که هر ماه پشت صفحات یک مجله اتفاق می‌افتاد؛ یعنی خواندن نوشته‌های دیگران، انتخاب کردن، نقد کردن و جدی گرفتن مخاطبی که هنوز در ابتدای راه بود.

قیصر در شماره ۴۲ سروش نوجوان، به تاریخ شهریور ۱۳۷۰، مطلبی با عنوان «در حاشیه گل‌دسته‌ها» درباره داستان «گل‌دسته‌ها و فلک» جلال آل‌احمد نوشت. موضوع فقط معرفی یک داستان مشهور نبود؛ او می‌کوشید شیوه خواندن و اندیشیدن درباره ادبیات را با زبانی قابل فهم در اختیار نوجوانان بگذارد. این وجه فعالیت قیصر کمتر از شعرهایش مورد توجه قرار گرفته است. شاعری که خودش از شناخته‌شده‌ترین نام‌های نسلش بود، بخشی از وقتش را صرف خواندن و بررسی آثاری می‌کرد که نویسندگان‌شان هنوز شناخته شده نبودند. این رابطه پس از سال‌های سروش نوجوان هم ادامه یافت. در گزارش‌های مربوط به فعالیت او در دفتر شعر جوان آمده است که تا سال‌های پایانی زندگی، نوشته‌های شاعران جوان را می‌خواند و نقد می‌کرد؛ شعرهایی که گاه از شهرهای دور به امید دیده شدن، فرستاده می‌شدند.

برای نوجوانی که نخستین شعرش را نوشته، خوانده شدن به وسیله یک شاعر شناخته شده می‌تواند اتفاقی مهم باشد. شاید همه آن نوجوانان بعدها شاعر نشده باشند، اما این واقعیتی چیزی از ارزش آن توجه که نمی‌کند. قیصر در این سال‌ها فقط شاعر نبود؛ خودش نیز مخاطب شعر دیگران بود.

بعضی چیزها قیمت ندارند

در میان روایت‌های باقی‌مانده از قیصر امین‌پور، گفت‌وگویی تصویری از سال ۱۳۸۲ وجه دیگری از شخصیت او را آشکار می‌کند. او در این فیلم درباره رواج پاداش‌های مادی در جشنواره‌های شعر انقلاب و جنگ صحبت می‌کند و میان سرودن از سر اعتقاد و سرودن برای دریافت جایزه تفاوت می‌گذارد.

قیصر امین‌پور در آن گفت‌وگو تأکید می‌کند که شعرهای سال‌های نخست را با صداقت سروده است. سپس جمله‌ای می‌گوید که شاید یکی از روشن‌ترین بیان‌های نگاه او به مناسبات رسمی شعر باشد: «از موقعی که سکه دادند دیگر برای جنگ شعر نگفتم.» این سخن را نباید به معنای انکار گذشته او گرفت. اتفاقاً

زهرا بذرافکن، خبرنگار گروه فرهنگ: اسفند سال ۱۳۸۰، جوانی برای مصاحبه با قیصر امین‌پور به دفتر مجله «سروش نوجوان» رفت. دوربینی همراه داشت، اما دستگاه ضبط صدا نه. در ورودی مجله، نگهبان از بردن دوربین جلوگیری کرد و وقتی تلفنی با قیصر صحبت کردند، شاعر گفت نیازی به آوردن دوربین نیست. جوان برای تکمیل تحقیقی دانشجویی آمده بود و می‌خواست از زندگی و آثار شاعری بپرسد که سال‌ها با شعرهایش زندگی کرده بود. اما قیصر چندان رغبتی به مصاحبه نداشت.

حسین قزایی، راوی این دیدار، سال‌ها بعد نوشت که قیصر با لیختن گفته بود: «من اهل مصاحبه نیستم.» سرانجام گفت‌وگو انجام شد، با این شرط که حاصلش تنها در تحقیق دانشجویی استفاده شود و جایی به چاپ نرسد. این خاطره، در ظاهر اتفاق مهمی در زندگی یک شاعر مشهور نیست. نه شعری در آن سروده شده، نه حادثه‌ای بزرگ رخ داده است. با این حال، شاید نقطه مناسبی برای شناختن روی دیگری از قیصر امین‌پور باشد؛ مردی که کلماتش به زندگی بسیاری راه یافته بود، اما به ظاهر علاقه چندانی نداشت خودش موضوع سخن را باشد. ۱۹ سال پس از درگذشت او، می‌توان برای لحظاتی کتاب‌های شعرش را بست و سراغ آدم‌هایی رفت که او را از نزدیک می‌شناختند؛ کسانی که با او کار کرده‌اند، شعرهای‌شان را برایش فرستاده‌اند یا روزی قرار بوده در کلاس درسش بنشینند. در این خاطرات، قیصر فقط شاعری با چند مجموعه شعر شناخته شده نیست. آدمی است که با دید مایه رفتارهای کوچک و انتخاب‌های شخصی‌اش دنبال او گذشت.

گاهی باید از خودت نگویی

قیصر در سال‌هایی که نامش با شعر معاصر گره خورده بود، هم در دانشگاه تدریس می‌کرد. هم در فعالیت‌های ادبی حضور داشت و هم با نسل تازه‌ای از شاعران سروکار پیدا می‌کرد. با این همه، در خاطره قزایی، نخستین واکنشش به درخواست مصاحبه، طفره رفتن است.

البته از یک دیدار نمی‌توان نتیجه گرفت که او در همه موقعیت‌ها کم حرف یا گوشه‌گیر بوده است. قیصر در نشست‌های ادبی سخن می‌گفت، شعر می‌خواند و درباره مسائل فرهنگی اظهار نظر می‌کرد. نکته جالب، تفاوت میان حضور اجتماعی او و احتیاطش در برابر گفت‌وگویی درباره خودش است. در مجموعه «در جاودانگی» که جمال الدین اکرمی و شهرام اقبال‌زاده فراهم کرده‌اند، نوشته‌هایی از دوستان و همکاران قیصر گرد آمده است؛ نوشته‌هایی با عنوان‌هایی «در دوستی تمام»، «کمی پیاده‌روی با قیصر امین‌پور» و «با او در راه». همین عنوان‌ها نشان می‌دهند که برای شناختن یک شاعر گاهی باید از موقعیت‌های کوچک‌تری آغاز کرد؛ یک دوستی، یک پیاده‌روی با همراهی در مسیری

نقدی بر کارناوال‌سازی از فوبیاهای وارداتی

وقتی برای ترسیدن هم چشم‌مان به غرب است!

امروز چقدر است؟

چرا نوجوان ایرانی ظاهر ده‌ها هیولای هالیوودی را می‌شناسد، اما از موجودات افسانه‌ای سرزمین خودش تصویر روشنی ندارد؟ چرا نتوانسته‌ایم از این جهان خیال، شخصیت‌هایی محبوب برای سینما، انیمیشن و بازی خلق کنیم؟

هالیوود فهمیده که فرهنگ فقط در کتابخانه و موزه زندگی نمی‌کند؛ وقتی قدرت پیدا می‌کند که به تصویر، شخصیت، بازی و خاطره جمعی تبدیل شود. ما اما گنجینه‌های فرهنگی را با افتخار معرفی و همان‌جا رهایشان کرده‌ایم و بعد، از موفقیت محصولات خارجی شگفت زده می‌شویم و دوباره از تهاجم فرهنگی می‌گوییم. نمی‌شود میدان خیال را خالی گذاشت و از اینکه دیگران آن را تصرف کرده‌اند، شکایت کرد.

اینستاگرام، میزبان اصلی مهمانی

در هالووین ایرانی گاهی معلوم نیست مهمانی برای خوش گذرانی برگزار شده یا عکس گرفتن از خوش‌گذرانی! لباس‌ها باید خاص باشند، گریم‌ها چشمگیر و میز



حتی هیولاهای مان را هم وارد می‌کنیم!

سرزمین ما از حیث قصه‌های ترسناک و شخصیت‌های افسانه‌ای چیزی کم ندارد. از بختک و آل گرفته تا دیوها و موجودات شگفت‌انگیز شاهنامه و داستان‌های عامیانه، جهانی از ترس و خیال پیش روی ماست اما سهم این گنجینه از صنعت سرگرمی

هالووین در ایران فقط قصه چند کدوی توخالی و صورت خون آلود نیست؛ ماجرای فرهنگی است که در آن صنعت سرگرمی غرب حتی شکل ترسیدن و جشن گرفتن را برای‌مان تعیین می‌کند، درحالی‌که دستگاه فرهنگی خودمان هنوز در جذاب‌کردن داشته‌هایش درمانده است.

قرار بود از هیولاها بترسیم، اما گویا باید از چیز دیگری ترسید؛ از روزی که برای خندیدن، ترسیدن و جشن گرفتن، چشم‌مان به تقویم فرهنگی دیگران باشد. روزی که کنبوهای نارنجی، جادوگران کلامه‌مخروطی و زامبی‌های خون آلود، بی‌آنکه نسبتی با تاریخ و خاطره جمعی ما داشته باشند، به بخشی از مناسبت‌های سالانه‌مان تبدیل شوند.

این روز البته مدت‌هاست از راه رسیده است.

کافی است در روزهای منتهی به هالووین سری به مراکز خرید و صفحات مجازی بزنیم. شیرینی‌هایی به شکل انگشت قطع شده، چهره‌هایی با زخم‌های مصنوعی و مهمانی‌هایی که هرچه عجیب‌تر و پرهزینه‌تر باشند، بیشتر دیده می‌شوند. انگار مسابقه‌ای برپاست برای اینکه چه کسی نسخه دقیق‌تری از فیلم‌ها آمریکایی را در زندگی خود بازسازی کند. مسئله البته چند جوان با لباس‌های عجیب نیست. این رفتارها به‌خودی‌خود نه فاجعه‌اند و نه نشانه فروپاشی فرهنگی. مسئله از جایی آغاز می‌شود که یک جسم وارداتی، بدون بازآفرینی و پیوند با زندگی بومی، به معیاری برای ذوق، منزلت اجتماعی و سبک زندگی تبدیل می‌شود.

کدوها آمدند، بچه‌های محله کجا رفتند؟

هالووین در بسیاری از جوامعی که رواج دارد، مناسبتی خانوادگی و محله‌محور است. کودکان در خانه همسایه‌ها را می‌زنند، شیرینی می‌گیرند و برای ساعاتی کooچه و خیابان به محله بازی جمعی تبدیل می‌شود. اما نسخه رایج آن در بخشی از جامعه شهری ایران بیشتر به نمایشگاه مصرف و تجمل شباهت دارد؛ مهمانی‌های پرخرج، گریم‌های گران‌قیمت و عکس‌هایی که باید پیش از پایان شب در اینستاگرام منتشر شوند.

در این نسخه، نه خوری از همسایه است و نه از شادی عمومی در محله. به جای آن رقابتی شکل گرفته برای متفاوت دیده شدن؛ رقابتی که گاهی قیمت لباس و هزینه مهمانی از خود جشن مهم‌تر می‌شود. این البته منحصر به هالووین نیست. صنعت سرگرمی سال‌هاست جشن را از تجربه‌ای جمعی به فرصتی برای خرید و خودنمایی

پذیرایی درست شبیه تصاویری که در شبکه‌های اجتماعی دیده‌ایم. اینجاست که خود جشن به حاشیه می‌رود و نمایش آن به اصل ماجرا تبدیل می‌شود. تجربه زمانی اعتبار پیدا می‌کند که منتشر شود؛ گویی اگر تصویری از مهمانی نباشد، اساساً اتفاقی نیتاده است. این فرهنگ نمایش، نسبت آدم‌ها را با شادی تغییر می‌دهد. افراد به جای زندگی کردن لحظه‌ها، می‌کوشند تصویری تماشایی از زندگی خود بسازند. هالووین نیز با ظاهر پررزه و برقرشی، بستری مناسب برای تشدید این رفتار شده است.

از کدوها ترسیم، از بی‌برنامگی بترسیم

نباید نقد هالووین به دوگانه فرسوده همیشگی سقوط کلیه؛ عده‌ای آن را نشانه غربگرایی بدانند و بعضی هر کدوی ترئین شده را تهدیدی علیه هویت ملی معرفی کنند. فرهنگ ایرانی در طول تاریخ از مواجهه با فرهنگ‌های دیگر نراسپاده است. پس خارجی بودن یک رسم، به تنهایی دلیل محکوم کردن آن نیست. آنچه باید نقد شود، تقلید بی‌خلاقیت، مصرف‌زدگی و ناتوانی در ساختن الگوهای جذاب از داشته‌های خودمان است.

برخورد سلبی نیز گاهی بازنمی‌کند. جمع‌آوری چند وسیله تزئینی نه قدرت هالیوود را کاهش می‌دهد و نه جوانان را شقیفته آیین‌های بومی می‌کند. سیاست‌گذار باید به جای محدودسازی صرف، امکان ابتکارهای مردمی، جشن‌های محله‌محور و سرگرمی‌های اخلاقانه را فراهم کند. چند روز دیگر کدوها از ویترین‌ها جمع می‌شوند، گریم‌ها شسته می‌شوند و تصاویر مهمانی‌ها میان هزاران عکس دیگر گم خواهند شد. اما یک سوال باقی می‌ماند؛ چرا صنعتی در آن سوی جهان می‌تواند با یک کدوی توخالی برای میلیون‌ها نفر اشتیاق بسازد، اما ما با این همه میراث ایرانی و اسلامی، هنوز در تبدیل داشته‌های‌مان به تجربه‌هایی زنده و محبوب مشکل داریم؟

پاسخ این پرسش را نباید فقط از جوانانی طلب کرد که لباس زامبی می‌پوشند؛ مدیانی که سال‌ها بود چه و اختیار فرهنگی داشته‌اند نیز باید پاسخ بدهند. خطر اصلی این نیست که جوان ایرانی یک شب لباس هیولا بپوشد؛ خطر آن است که دستگاه فرهنگی ما با تمام ادعای هویت‌سازی، هنوز نتواند برای شادی و خیال همین جوان، پیشنهاد جذابی داشته باشد و چه طنز تلخی که در سرزمینی با این همه قصه و آیین، حتی برای ترسیدن هم چشم‌مان به هالیوود باشد!

